

عنوان مقاله: الجزایر

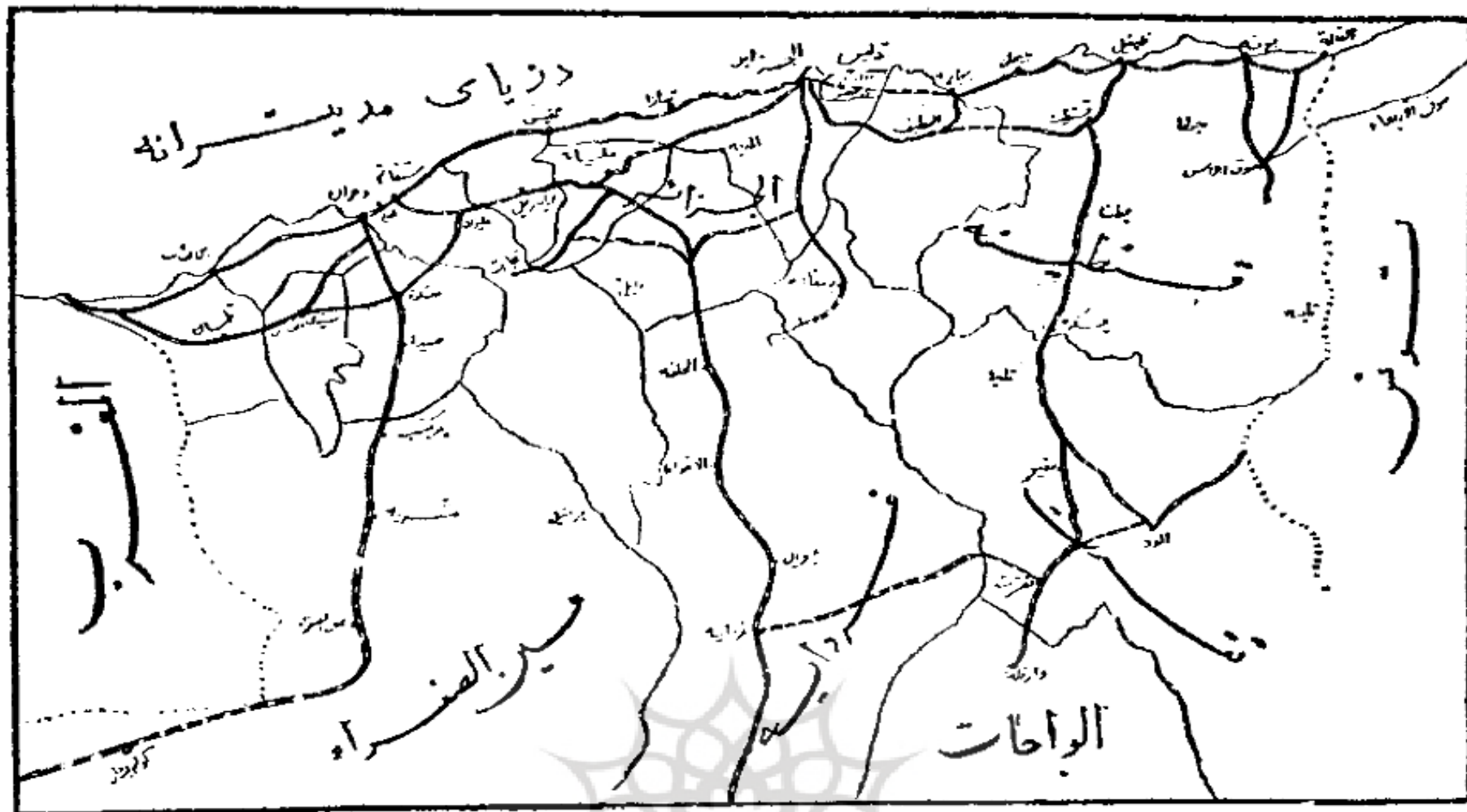
نویسنده: سید جعفر شهیدی

منبع: یغما، سال بیست و ششم مرداد ۱۳۵۳ شماره های ۵ و ۶ و ۷

پیاپی ۲۹۹-۳۰۰-۳۰۱



- دو سال قبل جناب سید جعفر شهیدی استاد دانشگاه در پنجمین و ششمین کنفرانس اسلامی الجزایر شرکت جست گزارش این سفر را از این شماره خواهید خواند. اطمینان دارد که ایرانیان مسلمان از شناختن یک کشوری نجیب و اسلامی خوشنود میشوند خاصه اطلاعاتی که بدین دقت و اجمال در کتب و رسائل دیگر نخواهند دید.





- هنگامیکه از دفتر ریاست دانشگاه ،وقت نظر مرا درباره شرکت در پنجمین کنفرانس اسلامی الجزایر خواستند تعجب کردم که این آشنائی از کجا است ؟ احتمال دادم وزارت شئون دینی الجزائر از طریق مجله آخر ساعه و عکس و تفصیلات مربوط به مجمع بحوث اسلامی قاهره با نام بنده آشنا شده است . وقتی دعوت نامه رسید دانستم حدسم درست بوده است .

وزارت شئون دینی
الجزائر

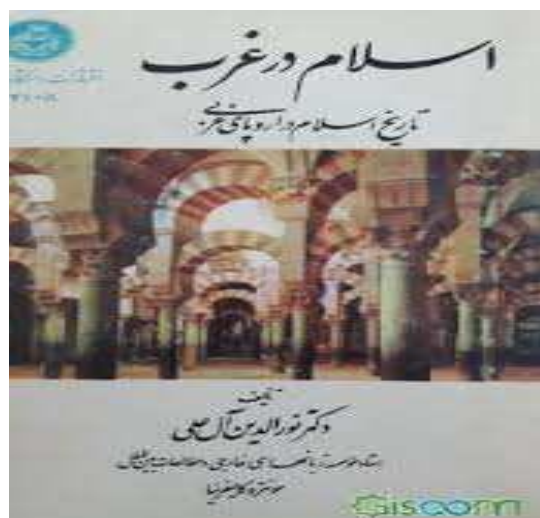
مجله آخر ساعه

- تاریخ دعوت **آخر تیر و اوائل مرداد و گرمترین روزهای این سرزمین** بود. روزهایی که همه کوشش میکنند برای رفع خستگی به منطقه های خنک بروند. اما دیدن کشوری اسلامی و آشنائی با مردمی که در عصر ما و در زندگانی خود من قهرمان مبارزه با اشغالگران غیر مسلمان بودند فرصتی نبود که بتوان آنرا از دست داد دعوت را با کمال میل پذیرفتم .

قهرمان مبارزه با اشغالگران غیر مسلمان

• اکنون بعثت دو بار مسافرت باین سرزمین و بحکم اجبار و علاقه و بر اثر خواندن کتابهائی چند اطلاعاتی هر چند هنوز هم مختصر است در باره این کشور و کشورهای شمال افریقا اندوخته ام . اما آنروز مجموع اطلاعاتم شرحی بود که سیزده سال پیش از چند منبع برای درج در لغت نامه فراهم کرده بودم مجال مطالعه بیشتر نبود و **نگران شدم که با مردم کشوری که روحیه و عادات و اخلاق و زندگانی اجتماعی آنان را درست نمیدانم چگونه روبرو شوم.** اما هنگامیکه بدانجا رسیدم و بسیاری از مردم آن سرزمین را نسبت به عادات و اخلاق و حتی دین کشور خودمان نا آشناتر دیدم رفع نگرانی شد .

- در عصر ما با آنکه وسایل ارتباط بین کشورها و ملتها آنچنان افزون و پیوسته شده است که میتوان زمین را بخانه و مردم آنرا به ساکنان خانه همانند کرد، **متأسفانه ملتهای مسلمان دنیا از حال یکدیگر اطلاع درستی ندارند** . اطلاعات دقیق و مفصلی که هزار سال پیش در کتابهای اصطخری و ابن حوقل در باره سرزمین های اسلامی آنوقت میبینیم و آنچنان دقیق که گاهی لهجه های مردم و تلفظ کلمات را نیز نشان میدهند، امروز در دست نیست و چقدر تعجب آور بود که **بعضی دوستان دانشجوی الجزائری من در روزهای اول گمان میکردند چنانکه نمایندگان یوگسلاوی ، سیلان ، ژاپن و فیلیپین نماینده اقلیت دینی هستند من نیز از طرف اقلیت مسلمان به آن سرزمین رفته ام و**



کتاب اسلام در غرب از
نورالدین آل علی

- هنگامیکه گفتم نود و نه درصد ایرانیان مسلمانند از تعجب و خوشحالی در پوست نمی گنجیدند. کنفرانس از هشتم ژوئیه در مرکز ایالت «وهران» که در شمال غربی این کشور است
- تشکیل شده بود و برای رسیدن به وهران باید نخست به الجزیره رفت. در فرودگاه الجزیره، دوست قدیمی من آقای نورالدین آل علی وابسته فرهنگی و استاد فارسی دانشگاههای الجزایر و دو نفر از اعضای وزارت شئون دینی آن کشور در انتظارم بودند

- . از فرودگاه مرا به هتل «آلیتی» که یکی از دو مهمانخانه درجه اول و مقر شرکت کنندگان در کنفرانس بود هدایت کردند. بامداد فردا جناب آقای تفضلی سفیر کبیر وقت (با آنکه تا آن ساعت هیچگونه آشنایی بین ما نبود پیغام دادند که من جز بحکم ضرورت بدیدن نمایندگان سیاسی نمی روم **ولی مقام علم را چندان محترم می شمارم** که میخواهم برای دیدن شما به مهمانخانه . آمدند و مرا مرهون الطاف خود ساختند

- بعد از ظهر همانروز بهمراهی آقای آل علی عازم وهران شدیم . جلسه های کنفرانس در سینمای «المغرب» تشکیل میشد. هزار تن دانشجویان دانشگاههای قسنطینه، وهران، الجزایر و بین پانصد تا هزار نفر از مردم شهر ، صبح و عصر پیش از آن که هدف دولت الجزایر را از این کنفرانسها که شش سال است پی در پی تشکیل میشود و دو سال است نماینده ایران در آن شرکت میکند شرح دهم ، بهتر است الجزایر را برای آن دسته از خوانندگان گرامی که اطلاع فراوانی در باره این کشور ندارند باختصار معرفی کنم .



- الجزایر کشوری است در **شمال غربی آفریقا** ، مساحت آن بالغ بر دو میلیون و سیصد و هفتاد و شش هزار کیلومتر مربع است و دوازده میلیون و پانصد هزار تن جمعیت دارد . از این عده تقریباً یک و نیم درصد غیر مسلمان و بقیه مسلمانند کشور الجزایر در کنار دریای مدیترانه است و از شمال بدریای مدیترانه از مشرق به تونس و لیبی از مغرب به مراکش و موریتانی و از جنوب به نیجر و مالی محدود میشود. مهمترین صادرات آن نفت و مواد شیمیایی است

- در تقسیمات فعلی این کشور به ۱۳ ایالت تقسیم شده است . ایالات عمده آن جز الجزیره که پایتخت این کشور است دو ایالت قسنطینه و وهران است که بترتیب در شمال شرقی و شمال غربی کشور واقع اند. ایالت مرکزی و همچنین قسنطینه و وهران دارای دانشگاه است. دیگر از شهرهای مهم آن عنابه مرکز کارخانه ذوب آهن و ارزو ، بندر صادرات نفتی این کشور است، زبان عامه مردم الجزایر عربی محلی و به اصطلاح عربی دارج است که فهم آن برای غیر بومی ها هر چند زبان عربی را فصیح بدانند دشوار است. در مدت یکصد سال سلطه فرانسویان که زبان فرانسه بر مردم این کشور تحمیل شد عموم طبقات تحصیل کرده بدان آشنا شده.اند و تا قبل از نهضت فرهنگی اخیر زبان علمی این کشور گردید .

عربی دارج

- تاریخ الجزائر : تاریخ گذشته قدیم الجزایر را نمیتوان از تاریخ مجموع افریقا تفکیک کرد چه این سرزمین گاه با سرزمین مراکش و یا تونس و یا قسمتی از افریقا تحت اداره قدرتی بوده است و گاه فرماندهانی بر قسمتهای مختلف آن حکومت میکردند . پیش از اینکه دین اسلام بدین سرزمین داخل شود بترتیب : فنیقیها کارتاژها. رومیان بر آن حکومت کرده اند .

۱- فنیقیها

۲- کارتاژها

۳- رومیان

اسلام در الجزایر :

- در سال های ۶۳-۶۴ هجری در حکومت معاویه بن یزید عقبه بن نافع الفهری برای بار دوم بافریقا حمله برد و به سرزمینی که فعلا الجزایر خوانده میشود در آمد. در سالهای ۷۸-۸۰ هجری ابو عبدالرحمان موسی بن عبد الرحمن بن زید آنرا تصرف کرد. در طول خلافت امویان و عباسیان الجزایر گاه بانضمام تونس و مراکش و گاه بطور جداگانه و گاه با تقسیم بدو ناحیه شرقی و غربی تحت فرمانروائی امویان شام، و آل عباس و حکام دست نشانده آنان و گاه تحت ریاست حکام و خاندانهای مستقل اداره میشده است . ذکر هریک از این سلسله ها و مدت حکومت حکام این ناحیه از حوصله گفتار امروز ما خارج است . اما مناسب میدانم اشاره ای به **خاندان رستمیه یا ائمه رستمیه** بکنم. حکومت رستمیه از سال ۱۴۴ هجری تا سال ۲۹۶ هجری دوام یافت. مؤسس این سلسله مردی بنام **عبدالرحمان بن رستم** است

- عبدالرحمان را از فرزندان شاپور ذوالاكتاف خوانده اند و ياقوت او را عبدالرحمان بن عبدالوهاب بن رستم بن بهرام بن شاپور بن بادگان بن شاپور ذی الاكتاف نوشته است . این نسب نامه مطمئناً مانند بسیاری از نسب نامه ها مجعول است . از احوال عبدالرحمان و پدر و جد او رستم اطلاع زیادی نداریم جز اینکه میدانیم بهرام مولای عثمان بن عفان بوده است، عبدالرحمان از زعمای خوارج و از پیشوایان فرقه اباضیه است .

عبدالرحمان را از فرزندان شاپور
ذوالاكتاف خوانده اند

- خوارج اباضیه از سالها پیش این سرزمین را ما من خود ساخته بودند ، عبدالرحمان چگونه و کی بدین سرزمین رفته است معلوم نیست ولی تاریخ مختصری که در باره زندگانی و حکومت او در دست است نشان میدهد که مردی بسیار دیندار، پارسا و عادل بوده است . اوایل قرن دوم هجری خوارج اباضیه در افریقا قدرتی بدست آوردند و ابوالخطاب عبدالاعلی المعافری از طرابلس به قیروان آمد و آن شهر را مسخر کرد و عبدالرحمان را به نیایت خود حاکم آن شهر نمود. تسخیر قیروان از جانب خوارج موجب شد که خلافت بغداد در باره این منطقه تصمیم جدی بگیرد. در سال ۱۴۴ محمد بن اشعث به قیروان حمله برد

خوارج اباضیه

• **عبدالرحمان طرف مغرب الجزیره گریخت و در آنجا شهر تاهرت را بنا کرد.** و پس از آنکه در تاهرت مستقر شد خوارج اباضیه با او بیعت کردند و او خود را امام خواند. حکومت یا امامت عبدالرحمان تا سال ۱۶۰ هجری طول کشید و پس از وی پسرش عبدالوهاب تا سال ۱۶۸ و پس از او ابوسعید الافلح فرزند وی تا سال ۲۰۸ امامت کرد. در دوره الافلح دولت بنی رستم باوج ترقی رسید، تاهرت مرکز تجارت افریقا شده بود. واقوام مختلف از جمله ایرانیان بدانجا رفتند پسرش عبدالوهاب تا سال ۱۶۸ و پس از او ابو سعید الافلح و سپس فرزندش ابوبکر بن الافلح تا سال ۲۵۸ و پس از وی ابوالبقان محمد بن الافلح و پس از او یعقوب بن الافلح به امامت رسیدند .

- در سال ۲۹۶ هجری ابو عبدالله شیعی داعی فاطمیان به تاهرت حمله برد یعقوب کشته شد و حکومت رستمیان یا سلسله خوارج اباضیه پس از ۱۳۲ سال امامت در این شهر پایان یافت
- رستمیان برای اینکه از گزند بنی الاغلب حکام قیروان که تابع عباسیان بودند در امان باشند و همچنین بخاطر دشمنی اداره با آنان، بدوستی با امویان اندلس تظاهر می کردند .

- رستمیان گذشته از اینکه حکومت را در دست داشتند مردمانی عالم و علم دوست بودند و میتوان گفت زعامت دینی و سیاسی را بعهده داشتند. رستمیان مردمانی آزادمنش بودند ، چنانکه بدشمنان اباضیه یعنی دشمنان حکومت خود نیز همان اندازه مجال فعالیت میدادند خود آنها که به پشتیبانان خود؛ و همین آزاد منشی آنان بود که سبب شد ابو عبدالله شیعی بر آنان دست یابد. هر چند حکومت یا امامت اباضیه در الجزایر دوام نکرد اما مذهب اباضیه همچنان در این سرزمین باقی است و هنوز هم پیروان آن در شهرهای بجایه و تاهرت و نواحی شمال شرقی الجزیره زندگی میکنند. در کنفرانس وهران نماینده این مذهب نیز حاضر بود و پیرامون مشکلات اسلام و مشکلات خانواده از نظر فرقه اباضیه سخنرانی کرد

• حال که سخن از اباضیه بمیان آمد مناسب است که درباره این مذهب نیز توضیحات مختصری داده شود . اباضیه فرقه ای از خوارج اند چنانکه میدانیم به گروهی گفته میشد که بر امیر المؤمنین علی علیه السلام خرده گرفتند که چرا بداوری ابو موسی اشعری و عمر بن العاص، درباره صلاحیت وی و یا معاویه بن ابی سفیان برای خلافت مسلمان گردن نهاد . آنان این عمل امام را مخالف حکم خدا دانستند و بر وی خروج کردند و پس از نبرد صفین ماندند جمعیتی تشکیل دادند و سرانجام در محلی بنام حرورا که در دو میلی کوفه بود بین آنان و سپاهیان علی علیه السلام نبردی در گرفت و انبوهی از آنان بقتل رسیدند و آنانکه باقی نقاط مختلف گریختند. خوارج در دوران حکومت بنی امیه قدرتی بدست آوردند به و پیوسته مزاحم حکومت بودند .

اباضیه فرقه ای از خوارج اند

- در آغاز، سخن خوارج بر سر مسأله خلافت وروا نبودن داوری مخلوق در حکم خدا بود، اما در طول زمان بموازات نبردهای خونین در میدانهای جنگ، جنگ فکری نیز بین آنان و دیگر مسلمانان در گرفت و رفته رفته خوارج برای خود مکتبی کلامی تأسیس کردند و سخن از مخالفت با حکومت علی و معاویه به بحث در اصل خلافت و شرایط آن و مسأله ثواب و عقاب و کفر و ایمان بمیان آمد.

خوارج برای خود مکتبی کلامی
تأسیس کردند

- همچنانکه پیروان این مذهب بر اثر اختلاف در مباحث کلامی و احکام متفرع بر آن بتدریج بفرقه های گوناگون تقسیم گردیدند که یکی از این فرقه ها فرقه اباضیه است . اباضیه پیروان مردی بنام عبدالله بن اباض اند . نسبت عبدالله را به بنی تمیم داده اند. اباضیه در اواخر حکومت امویان و مخصوصاً ایام مروان بن محمد (۱۳۲-۱۲۷ هـ - ق) که دولت این خاندن بزوال میرفت قدرت یافتند .

اباضیه پیروان مردی بنام
عبدالله بن اباض اند

- مذهب خوارج در نیمه اول قرن اول هجری در مغرب منتشر شد و دو فرقه اباضیه و صفریه بین مردم بر بر بدعوت پرداختند سرزمین افریقا بخاطر فکر آرام مردم این منطقه برای گسترش چنین دعوتها جای مناسبی بود **مذهب اباضیه بسرعت بین مردم رواج یافت و تقریباً بصورت مذهب ملی در آمد،** در قرن دوم هجری بنام دو تن از رؤسای خوارج یعنی ابوالخطاب و ابوحاتم بر میخوریم که در مغرب شوکتی داشته اند . روی هم رفته مذهب ایاضیه از مذاهب معتدل خوارج است اباضیان مخالفان خود را کافر میخوانند اما آنان را مشرک نمیدانند بهمین جهت کشتن ایشان را جز در میدان جنگ جائز نمی شمردند همچنین لازم نمیدانند که امام از قریش باشد بلکه میگویند پارسائی و اطلاع از احکام الهی برای امام کافی است و اگر امام از شروط امامت تخطی کرد خلع او واجب است .

- پس از سقوط حکومت رستمیان خاندان بنو حماد، مرابطین ، بنی زبان بر قسمت‌های مختلف و گاهی بیشتر مناطق الجزائر حکومت کردند که این گفتار گنجایش ذکر تفصیلی این خاندانها را ندارد. در آغاز قرن دهم هجری قمری عثمانیان بر این سرزمین دست یافتند. حکومت عثمانیها بر این منطقه سه قرن دوام یافت. اروپائیان از دیر باز یعنی پس از خاتمه جنگهای صلیبی به الجزایر چشم دوخته بودند و نوشته اند لاوی گری کشیش معروف فرانسوی و متخصص در مطالعات افریقایی گفته است: « رسالت الهی بما حکم میکند الجزایر را تابع دین مسیح کنیم و این سرزمین را بنور تمدن انجیل منور سازیم . .

عبدالقادر و مبارزه های او :

- اگر بخواهند درباره مبارزه های ملت الجزایر با اشغالگران فرانسوی تاریخی بنویسند کتابی بزرگ خواهد شد که مسلماً درخشانترین فصل آن نبردهای امیر محی الدین و پسر وی عبدالقادر است. با نام عبد القادر بخاطر موقعیت نظامی و رشادت او در میدانهای جنگ آشنایی دارید اما شاید بعضی از شما نشنیده باشید که وی هنگامیکه بمبارزه با اشغالگران برخاست ، عالمی عامل و دین داری کامل بود و در دمشق و بغداد نزد علمای این دو شهر تعلم یافته بود. بنابراین در مبارزه مردم الجزایر نیروی ایمان را باید عامل اساسی پیروزی دانست

مبارزه های ملت الجزایر با اشغالگران فرانسوی

عبد الحمید بن بادیس:

- در اینجا باید از عالم ارزنده دیگری نام ببریم که کوشش علمی و عملی او در آزادی الجزایر بلکه شمال افریقا اثری فراوان داشت ولی افسوس که در دنیای اسلام شهرتی را که در خور آن میباشد نیافته است. حتی نام او در بعض کتب فرهنگ و ترجمه نیامده است. این شیخ عبدالحمید بن بادیس متولد ۱۸۸۲ - ۱۹۴۰ و از قبایل بربر است. (در باره بربر و وجه تسمیه آن شاید بمناسبت شرحی مختصر بنویسم). **ابن بادیس بدون آنکه سید جمال الدین اسد آبادی را دیده باشد از مبارزه های او الهام گرفت.** در سال ۱۹۳۱ که به ریاست جمعیت علمای مسلمان الجزائر نائل شد مجله شهاب را منتشر کرد و مقالات اساسی این مجله دعوت باتحاد اسلامی و قیام علیه اشغالگران بود

جمعیت علمای مسلمان الجزائر

• **ابن بادیس در واقع مؤسس مکتبی در تحول تعلیمات اسلامی در الجزایر و افریقای مسلمان است .** نتیجه این نهضت و تجدد طلبیها اولاً در قاره افریقا این بود که در این قرن الجزائر، تونس، لیبی، مراکش، موریتانی و این ممالک دیگر اشغالگران را از سرزمینهای خود راندند و ثانیاً انعکاس آن در جهان اسلام است که پس از گذشت کمتر از نیم قرن و با آنکه دو جنگ بزرگ بین الملل در خلال این مدت رخ داده است و اثرات زیان بار آن در ممالک اسلامی بر همگان آشکار است میبینیم نزدیکی بین ممالک اسلامی روز بروز بیشتر میشود. نفرتها و اختلاف نظرها که در **قرن دوازدهم و سیزدهم هجری** بشدت بین مذاهب وجود داشت جای خود را به تفاهم مشترک داده است و زمینه نزدیکی بیشتر را بین رهبران دینی و سایر مسلمان فراهم ساخته است .

• .

کنفرانس اسلامی :

- اکنون که بخشی از تاریخ سیاسی الجزایر فهرست وار باستحضار خوانندگان رسید ببینیم کنفرانس اسلامی الجزایر چیست و چرا و برای چه هر سال در این کشور تشکیل میشود. چنانکه دیدیم الجزایر متجاوز از یک قرن بنام ملتی مسلمان با فرانسویان مبارزه کرد و حالا که بصورت دولت مستقل اسلامی در صحنه سیاست بین المللی قدم نهاده و سرنوشت خود را بدست خویش گرفته است



• طبعاً مشکلاتی در پیش دارد مشکلاتی غیر از آنچه جنبه سیاسی دارد و باید از طریق مذاکرات دیپلماسی حل شود، مشکلات حقوقی و اجتماعی، حل این مشکلات باید در داخل کشور و بموجب قانون و مسئولیت دولت و بر طبق موازین اسلامی صورت گیرد. رهبران الجزایر پس از سقوط احمد بن بلا متوجه شدند که برای حفظ ثبات مملکت و در هم کوبیدن نفوذ کمونیسم باید به مبانی اسلامی توجه بیشتری شود و برای رفع گرفتاریهای موجود لازمست از افکار همه علمای اسلامی استمداد کنند

احمد بن بلا

- انعقاد کنفرانس نمایندگان کشورهای اسلامی که پنجمین آن امسال در **وهران مرکز استان شرقی الجزایر** تشکیل شد بدین منظور است که درباره مسائلی محدود بحث شود. مسائلی که با زندگانی روزمره مردم الجزایر مربوط است و بیشتر بر محور خانواده و شئون دینی و اجتماعی و فرهنگی و اقتصادی ملت دور میزند در سال جاری برای اولین بار از ایران دعوت شد تا در این کنفرانس شرکت کند با در نظر گرفتن اینکه از ،پاکستان ترکیه و افغانستان نماینده دعوت نشده بود اهمیت خاصی که الجزایر برای ایران در بین کشورهای اسلامی قائل شده است بخوبی مشهود می گردد . گذشته از ثبات سیاسی و اقتصادی و اهمیت بین المللی کشورما ، شاید آگهی از آراء علمای مذهب شیعه نیز یکی از امتیازاتی است که الجزایر بدان توجه دارد و این اهتمام را کاملا درک کردم .

• می دانیم که در مذهب شیعه باب اجتهاد مفتوح است یعنی مجتهدان میتوانند با در نظر گرفتن مبانی اسلامی و استفاده از مدارک و توسل بحکم عقل برای مشکلات روز و فروع مستحدث حکم شرعی استنباط کنند، در صورتیکه **در مذهب سنت و جماعت باب اجتهاد بسته است و فتاوی باید منطبق با آراء ائمه سلف باشد** مباحثی که امسال در کنفرانس اسلامی در وهران طرح شد عبارت بود از :

۱- لغت و انقلاب فرهنگی گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۲- اسلام و مشکل جوانان و خانواده ها .

۳- اسلام و رشد اقتصادی .

- یکی از مشکلاتی که الجزایر با آن روبرو است مسأله ازدواج با خارجی‌ان است ، در فقه اهل سنت و جماعت ازدواج دائم با اهل کتاب مانعی ندارد و بعضی از جوانان الجزایر بعد از آنکه زنان الجزایری عقب مانده تر از فرانسویان اند، بیشتر مایلند از فرانسویان زن بگیرند .
- رهبران الجزایر متوجه شدند که اگر اوضاع به همین منوال پیش برود ، در آینده ، این یادداشتهای دو سال پیش نوشته شده است. امسال هفتمین کنفرانس در این کشور تشکیل میشود ضمناً باید توجه داشت که بعضی مسائل دو کنفرانس در هم آمیخته شده است .



علی عبدالواحد وافی

• ممکن است استعمار فرانسه بصورت دیگری تجدید شود و شاید این بار بنوعی مؤثرتر و ریشه دار تر در آید این است که بفکر چاره جوئی افتاده اند. سال گذشته در قطعنامه کنفرانس تصویب شد که هر چند ازدواج با اهل کتاب از لحاظ فقه اسلامی مانعی ندارد، اما بخاطر حفظ مصالح ملی بهتر است که مردم الجزایر از غیر مسلمان زن نگیرند. یکی از استادان الازهر (دکتر علی عبدالواحد وافی در پایان مقاله ای که برای کنفرانس پنجم از قاهره به وهران فرستاده بود نوشت که **در مسأله جواز ازدواج با اهل کتاب مذاهب اسلام متحد القول نیستند** و مذهب شیعه که پیشوای آن امام جعفر صادق فرزند پیغمبر است و بیش از ۵۰ میلیون پیرو دارد این ازدواج را جائز نمیداند چنین فتوی برای وزیر شئون دینی الجزایر غنیمتی بود.

- روزی که با ایشان ملاقات کردم پرسید رأی علمای شیعه در ازدواج با اهل کتاب چیست؟ گفتم فتوای مشهور این است که چنین ازدواجی جائز نیست. وزیر از من خواست تا در فرصتی مناسب این رأی را به اطلاع شرکت کنندگان در کنفرانس برسانم سرانجام در قطعنامه کنفرانس هم گنجانده شد

- مسأله دیگر موضوع تحدید نسل و جلوگیری از ازدیاد نفوس است که در درجه اول مشکل بزرگ کشورهای افریقائی و سپس آسیائی است. **چنانکه استنباط کردم فقهای مالکی و حنفی خوردن قرصهای ضد بارداری را جائز نمیدانند** دلیل فتوی آنان آیه ۳۳ سوره بنی اسرائیل است «ولا تقتلوا اولادکم خشیه املاق ، نحن نرزقهم وایاکم ان قتلهم کان خطأ کبیراً» فتها بعلت تشریع حکم توسل می جستند که آنجا ترس از تنگدستی موجب قتل کودکان بوده است و اینجا هم همان ملاک وجود دارد چون نظر فقهای شیعه را جویا شدند

- گفتم این فرع از فروع مستحدث است و من در حال حاضر بر رأی قطعی مراجع وقوف ندارم اما نهی از قتل اولاد شامل چنین موضوعی نمیتواند باشد و بر طبق قواعد جلوگیری از بارداری با سقط جنین فرق دارد. این مطلب را نیز ناگفته نگذاریم که درباره مسأله تحدید نسل وجواز و عدم جواز آن ، با فقها و علمای مالکی و حنفی و بعضی مذاهب دیگر فراوان بحث شد .



شیخ عبدالله گنون

- مخصوصاً با شیخ عبدالله گنون دبیر جمعیت علمای مغرب که از علما و نویسندگان درجه اول مغرب است هم در الجزایر و هم در طنجه در این باره گفتگو کردم میتوان گفت که از نظر ایشان در حرام نبودن اصل مسأله بحثی نیست. منتهی نگرانی دیگری پیش آمده است که میگویند دایه مهربان تر از مادر شدن غربیها برای آسیا و افریقا چه علتی دارد؟

- می گویند مسیحیان احساس کرده اند که در بعضی مناطق افریقائی در نیم قرن پیش آمار مسیحی بیش از مسلمان بود و اکنون بر عکس شده است. اگر نصاب تصاعدی جمعیت در افریقا این چنین بالا رود اکثریت های مسیحی تبدیل به اقلیت خواهند شد و دیگر اینکه میگویند : که اگر جمعیت افریقا بدین نسبت بالا برود مواد اولیه ای که اکنون از این قاره به کشورهای اروپایی صادر میشود باید به مصرف خود این مردم برسد و غربیان در مضیقه خواهند افتاد



مولود قاسم وزیر
شئون دینی الجزایر

• و بخاطر همین بد بینی بود که آقای مولود قاسم وزیر شئون دینی الجزایر در یکی از جلسه های رسمی امسال سال ۱۳۵۱ به کنفرانس استکهلم حمله کرد و گفت جنبه سیاسی این کنفرانس بر بشر دوستیان غلبه داشت امروز سوم مرداد ۱۳۵۰ حاج دکتر عبدالملک کریم امر الله نماینده اندونزی سخنرانی داشت. موضوع سخنرانی ایشان اسلام و مشکل خانوادگی و تربیت نژاد نو بود ولی محصول سخنرانی یکساعته این شد که مرحوم والدشان جمعیتی اسلامی تأسیس کردند که فعلا خود ایشان اداره آن جمعیت را بعهده دارند و در ضمن سخنرانی از رئیس جمهور قبلی انتقاد و از رئیس فعلی ستایش کردند . در پایان سخنرانی رئیس جلسه از حضار خواست که چون سخنران خسته است از او پرسشی نشود .

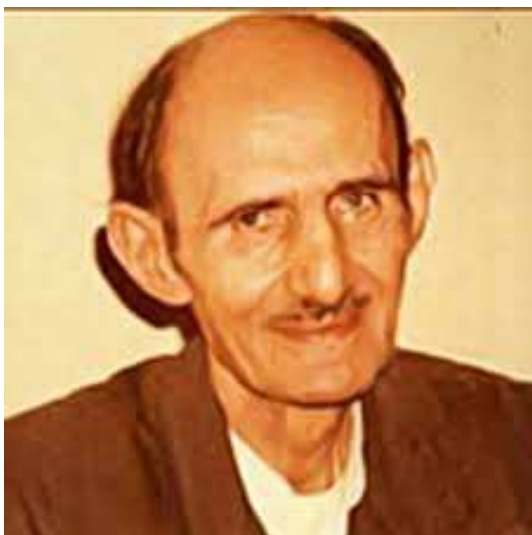
- امروز پنجم مرداد نوبت سخنرانی بنده بود. چون از مقدمات کار دانستم بعضی از دوستان الجزایری من از وضع اسلام در ممالک غیر عربی کمتر اطلاع دارند زیرا اگر اطلاع کافی داشتند برای وجود جمعیت اسلامی در کشور ۹۰ میلیونی آنهم اندونزی کف نمیزدند. دیدم لازمست وضع ایران را از جهت موقعیت دینی و تعلیمات اسلامی هر چندهم مختصر باشد تشریح کنم و از تحقیقاتی که علمای ایران در طول بیش از دو قرن از زمینه های علوم کرده اند و سهمی را که در توسعه فرهنگ اسلامی به عهده داشته اند خاطر نشان حضار سازم،

- زیرا از عکس العمل سخنرانی نماینده اندونزی و ابراز مسرت فراوان دانشجویان بخوبی **معلوم شد ما مسلمانها مملکت هم را درست نمیشناسیم**، وگرنه خبر تشکیل یک جمعیت مسلمان در کشور نود ملیونی مسلمان اندونزی نباید با آن همه اعجاب روبرو شود . سرانجام گفتم به موجب قانون اساسی دین ملت ،ایران اسلام و مذهب رسمی آنان شیعه دوازده امامی است. و افزودم که در پنجاه سال اخیر بیش از ۳۰۰ کتاب در رشته های مختلف دینی تنها بزبان عربی در ایران بچاپ رسیده است و سپس درباره وضع فعلی تبلیغات اسلامی در ایران توضیحاتی دادم و چون شنیدند که مهندسان و پزشکان و دانشجویان جمعیت‌های اسلامی برای تعلیم و بحث و مناظره درباره مسائل دینی دارند نهایت خوشحال شدند بطوری که تا مدتی کف زدن ادامه داشت .

- موضوع سخنرانی مشکلات خانواده و جوانان و نظر اسلام در این باره بود که اگر فرصت دست داد ان شاء الله تمام یا خلاصه ای از ترجمه آن را در آخر این یادداشتها خواهم نوشت .
- چون گفتار پایان رسید سه تن از استادان به نوبت مطالب آمارا ستودند و تأیید کردند. آنگاه نوبت به پرسش دانشجویان رسید پرسشهای دانشجویان بسیار بود، چه در داخل سالن و چه در تالار مجاور کنفرانس .

- نوشتن همه این پرسشها لزومی ندارد ولی یک دو پرسش را مینویسم تا بدانید ما مسلمانها تا چه اندازه از حال هم بیخبریم. دانشجوئی پرسید شما به چه خطی مینویسید گفتم به همین خطی که این مقاله نوشته شده است خط مشترک ما و شما گویا ما را با ترکها عوضی گرفته بودند یا گمان میکردند ما هم خط خود را تغییر داده ایم . دانشجوی دیگری پرسید قرآن شما چگونه است آیا با قرآن ما فرق دارد ؟ بسیار دریغ خوردم که تبلیغات دشمنان مشترک ما تا این درجه در ممالک اسلامی اثر کرده است

- از حسن تصادف آن روز یک جلد قرآن مجید در بغل داشتم آنرا برای او فرستادم و گفتم ببینید و مطمئن باشید که این نسخه برای نشان دادن به شما چاپ نشده است . همین قرآنی است که شما دارید و می خوانید همین قرآنی است که همه مسلمانان دارند. بعلاوه نمونه هایی از چاپ مختلف قرآن را در مهمانخانه دارم با من بیائید تا همه آنها را به شما نشان بدهم .



امیری فیروز کوهی

- دانشجوگی پرسید لباس دختران دانشجوی ایران چه شکلی است؟ مقصودش این بود که دختران دانشجو با حجابند یا بی حجاب؟ گفتم. من در راهرو این عمارت تابلویی را دیدم که عکس دختران ورزشکار را نشان میداد دختران دانشجوی ما هم تقریباً همینطور لباس می پوشند. ناتمام تصحیح بیت آخر قطعه استاد امیری فیروز کوهی را در صفحه ۳۲۸ همین شماره حتماً چنین بخوانید:
- مرا زاد روان بس یاد بهزاد که زادی به زیاد همدمی نیست

- امروز باید برای دیدن کارخانه گاز مایع و منجمد به بندر ارزو (Arzeui) برویم. بیش از ما دانشجویان از این سفر خوشحالند. چرا که یک روز بجای این که صبح و عصر در
- تالار سخنرانی گرد آیند و مکررات خسته کننده ما را بشنوند ، در خارج از شهر و در هوای
- آزاد و کنار دریا بسر میبرند . «د ارزو» که تلفظ آن بفتح همزه و سکون را ، وضم یاء است . بندری است با پانزده هزار تن جمعیت و در ساحل دریای مدیترانه جزء استان وهران در شمال غربی الجزیره است. پیش از آنکه فرانسویان الجزائر را اشغال کنند، دهکده ای را که اکنون در ده کیلومتری (ارزو) است و « بطیوه ، نام دارد ارزو میگفتند و شهر (ارزو) فعلی را بندر ارزو مینامیدند. در دوره فرانسویها این بندر را ارزو (جدید و بطیوه را (ارزو قدیم)



ابو عبید الله بن عزیز بکری

• نامیدند . نام این شهر با اندک تغییر در ضبط کتابهای جغرافی قدیم آمده است ، در المسالك والممالك ابو عبید الله بن عزیز بکری (ارزاو) ثبت شده و نویسد : ه ارزاو ، از بنای رومیان است. شهرکی خالی است که در آن آثار عجیب از دوره باستان دیده میشود و هر کس که بدین شهر در آید از بسیاری عجائب حیران گردد. در نزدیکی (ارزاو) کوهی بزرگ است که در آن سه قلعه بارو دار است. در این کوه معدن آهن و زیبق بود و بین (ارزاو) و (وهران) چهل میل راهست ، (انتهی) . وصفی که بکری از ارزو میکند منطبق بر دهکده (بطیوه) فعلی است . چه آثار رومیان و فینیقیان در (بطیوه) است که امروز بسیاری از آنرا بموزههای دهران و الجزائر برده اند.



• شریف ادریسی در کتاب خود (نزهة المشتاق فی اختراق الافاق) نیز از ارزو نام برده است و گوید: «از طرف مشانه تا بندر (ارزو) ۱۸ میل است و (ارزو) روستایی است بزرگ که بدانجا گندم آورند و تجار آن گندم را از این بندر به شهرها فرستند». ارزو بخاطر موقعیت سوق الجیشی مورد توجه حاکمان وقت بوده است چنانکه در دوره «موحدین» پایگاه کشتی های جنگی این سلسله بود باری دیدار ما از این شهر مجموعاً هشت ساعت طول کشید.

شریف ادریسی

• **در این دیدار یکهزار دانشجو نیز شرکت داشتند،** دانشجویان را به سه دسته قسمت کرده بودند و با گروه ما مجموعاً چهار گروه میشدیم و برنامه طوری تنظیم شده بود که هر گروهی در ساعاتی معین باید یکی از چهار مرکز دیدنی را که تصفیه خانه شبکه لوله کشی امونیاک ، و گاز سیال است بازدید کنند. هنگام ورود به کارخانه کلاههای ایمنی در اختیار ما گذاشته شد و در هر نقطه کاردانان فنی که عموماً الجزائری بودند توضیحاتی دقیق دادند . رفقا را نمیدانم ولی من که جز کلیات چیزی دستگیرم نشد .

- کاردانان مخصوصاً میکوشیدند که با عربی سخن بگویند منتهی بیشتر آنان قادر بگفتگو بزبان عربی فصیح نبودند اما بهر صورت مطالب آنان مفهوم بود . نهار در مهمانخانه ای که در کنار دریا ساخته ،بودند از طرف شهردار ارزیو داده شد و ساعت ۴ بعد از ظهر به (وهران) باز گشتیم جلسه های کنفرانس صبح و عصر بدون تعطیل تشکیل میشود

بیشتر آنان قادر بگفتگو بزبان
عربی فصیح نبودند

- ، جمعه ها هم صبح و عصر جلسه داریم گویا چند تن از دانشجویان در جلسه امروز عصر غائب بودند توضیحاً باید عرض کنم که در این کنفرانس یکهزار و یکصد تن دانشجو از سه دانشگاه قسنطینه ، وهران و الجزیره شرکت دارند. اینان قبلاً برای شرکت در این کنفرانس نام نویسی کرده اند و متعهد شده اند که یک جلسه هم غائب نشوند . هزینه شام و نهار و اطاق خواب آنان به عهده وزارت شئون دینی است .

- میدانستم آقای مولود قاسم وزیر تعلیم اصلی و شئون دینی الجزائر مردی مسلمان و سخت علاقمند و پای بند تعلیمات دینی و مرد منظمی است **اما او را تا این حد جدی نمیدانستم** در آن گرمای کسل کننده که بدون مبالغه همگی غرق در عرق بودیم با چهره ای برافروخته پشت میز خطا به رفت و روز نامه ای را که بزبان آلمانی بود در آورد و خبری از آن را خواند و ترجمه کرد که گروهی از علمای مسیحی مدت بیست و دو روز در زیر زمینی به مشورت پرداختند تا راه حلی بیابند که چگونه تعلیمات مسیحی را بهتر رواج دهند در تمام این مدت از آن زیر زمین خارج نشدند ، آنگاه دانشجویان متخلف را توبیخ کرد که شما از حضور در تالاری که وسائل راحت نسبی شما در آن فراهم است غائب میشوید در صورتیکه خودتان داوطلب بودید. اگر دانشجویی بخواهد از جلسه غیبت کند بهتر است که بمحل خود برگردد و اصلا حاضر نشود .



مولود قاسم

• امشب قرار شد برای دیدار دانشجویان و گفتگو با آنان به کوی دانشجویان بروم این کار از این سال سنت شد و سال بعد نیز دو بار بدیدن آنان رفتم در آنها دیگر امتیازات برخاسته است ، **سخنران و سخن شنو بشقاب بدست در یک صف ایستادیم تا نوبت غذا گرفتن شود .** سپس با گروهی سر میزی نشستم پس از صرف شام وقت نماز عشا بود . دوستان دانشجو می خواستند من امامت را عهده دارشوم ، معذرت خواستم و یکی از دانشجویان را پیش گماردم تا امامت کرد . پس از نماز به تالار رفتم و از ساعت ۸/۵ تا ۱۲/۵ بحث و پاسخ و پرسش ادامه داشت و متجاوز از سی و دو سؤال از موضوع مختلف فرستاده شد

- این پرسش و پاسخ ها سبب گردید که این عده از دانشجویان تا حدی با وضع دینی اجتماعی فرهنگی کشور ما آشنا شوند. **بسیاری از تصورات خطا باطل شد و میتوانم بگویم که در پایان جمله دلهای ما بیش از پیش با یکدیگر نزدیک گردید.** نیم بعد از نصف شب بود و رفقا باز هم میخواستند به بحث ادامه دهم ولی گفتم ما و شما ساعت ۹ فردا که روز جمعه است باید در تالار سخنرانی حاضر باشیم و بهتر است که فعلا با هم خداحافظی کنیم

- چنانکه نوشتیم جمعه هم تعطیل نداریم، امروز جمعه هشتم مرداد ، آقای حاج سعید عیسی استاد مدرسه تربیت معلمان در وهران سخنرانی کرد. آقای سعید از خوارج اباضی است . موضوع سخنرانی ایشان طبق بر نامه چاپ شده کنفرانی (مذهب اباضی و علاقه آن با مذاهب دیگر در جهت اقتصاد و خانواده) بود. اما سخنران از قیام عبد الله بن وهب راسبی در سال سی و نهم هجری به مخالفت با داوری عمر و بن العاص و ابو موسی اشعری (حکمین) و تأسیس فرقه خوارج آغاز کرد ، و تا نوشته های احمد امین گفتار خود را ادامه داد. آنچه کمتر شنیده شد مطالب مربوط به موضوع سخنرانی و آنچه بیشتر گفت بحث های کلامی مذاهب بود.

- یک دو بار وزیر بدو تذکر داد که از موضوع خارج نشود. سخنران در گفتار خود هر جا بنام مبارک امیر المؤمنین علی علیه السلام میرسید ، با تعبیر (کرم الله وجهه) از آن بزرگوار یاد میکرد ، در حالیکه این دعا بر خلاف سیرت خوارج حتی فرقه اباضیه (در صدر اول) است. اکثر خوارج اگر درباره آن بزرگوار (غفر الله له) نگویند، از جمله (رضی الله عنه) فراتر نمیروند. موجب خوشوقتی است که تعصبات جاهلانه و دشمنی های نابجا اندک اندک تخفیف مییابد .



محمد المبارک،
اندیشمند سوری

• سخنران دنباله گفتار را بمذهب شیعه کشانید و عین نوشته مرحوم احمد امین را در معرفی شیعیان بیان کرد : در شیعه گری پناهگاهی است که هر کس بخواهد اسلام را نابود سازد بدان پناه می برده در پایان مسلم بود که بنده باید بدفاع برخیزم اما چقدر تعجب کردم و در عین حال خوشحال شدم که دیدم آقای محمد المبارک بر من سبقت گرفت و اجازه سخن خواست

- آقای محمد المبارک از علمای معروف جهان اسلام و فعلا در مدینه ساکن است. او از شهرهای ایران دیدن کرده و با علما و استادان دانشگاه قم تهران و مشهد ملاقات کرده است : آقای مبارک در پاسخ برای اطلاع از عقاید پیروان هر مذهب، باید بکتابهای علمای آن مذهب رجوع کرد. استناد به نوشته احمد امین در معرفی مذهب شیعه درست نیست. و افزود من کتب فقه شیعه را خوانده ام. اگر اسناد روایات شیعه را حذف کنیم در مضمون ، بیش از ده درصد با روایات اهل سنت اختلاف ندارد.

• در آن ده درصد باقی خلاف بین مذاهب اهل سنت بیشتر است تا خلاف بین شیعه و مذاهب اهل سنت . سپس گفت من به ایران رفتم و کتابهای درسی دبیرستان ها را که مخصوص تعلیمات دینی است خواندم، اصول دین شیعه مانند اهل سنت سه اصل است و درباره دو اصل دیگر (عدل و امامت) نوشته اند: اگر کسی این دو اصل را نپذیرد مسلمان است ولی شیعه نیست

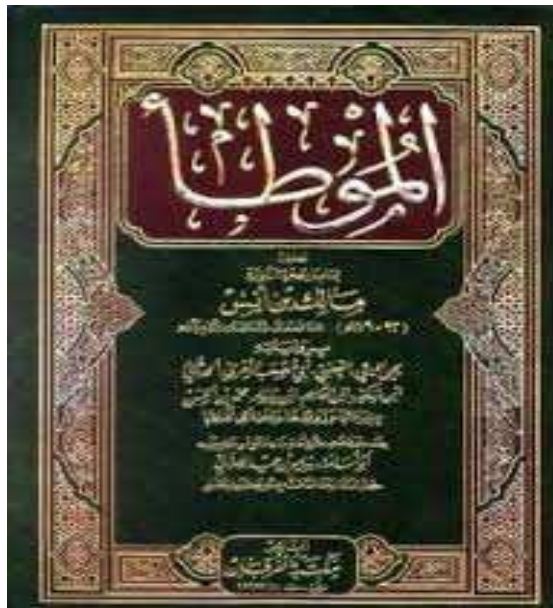
- من نه از آن جهت خوشحال بودم که عالمی سنی به دفاع از مذهب شیعه برخاسته است ، بلکه از آن جهت که روشن بینی علمای اسلام بدانجا رسید است که دیگر به نوشته های توام با تعصب علمای سلف نمی نگردند و برای کشف حقیقت خود به جستجو بر می خیزند (همان) سیره ای که محدثان در قرنهای اول اسلام پیش گرفته بودند). پس از ایشان ، بنده هم به سهم خود سخنران را باشتباهات تاریخی وی متوجه ساختم. آنگاه نوبت به دانشجویان رسید ، باید توضیح دهم که در این کنفرانس پس از خاتمه هر سخنرانی نخست از استادان و سخنرانان پرسش میشود که اعتراضی یا توضیحی دارند یا نه. و آنان شخصاً پشت میز خطابه می آیند.

- و سخنان خود را میگویند اما در مورد دانشجویان چنین نیست، آنان باید مطالب خود را در کاغذی بنویسند و بمنشی جلسه تسلیم کنند. سال گذشته خواستند این رسم را بهم بزنند و بدانشجویان هم اجازه دهند پشت میز خطابه بیایند ولی در همان روز اول پیش آمدی شد که از این تصمیم منصرف گشتند. این پیش آمد را ضمن یادداشتهای کنفرانس ششم خواهم نوشت). رفقای دانشجو سخنان را سخت سؤال پیچ کردند

- فرقه اباضیه در الجزایر زندگی خاصی دارند ، و کمتر با اجتماع می آمیزند و همین کناره گیری سبب شده است که از بعض دوستان مکرر شنیدم، اینان سری و مرموز زندگی میکنند. به عقیده من این توهّم باطلی است. اباضیه مردمانی بسیار سلیم دل و سخت پای بند فرائض دینی و در عین حال مقتصد و میانه رو هستند . پای بندی آنان به سنن ، سبب شده است که این فرقه بسیاری از تجدد طلبیها را طرد کرده اند و در نتیجه آمیزش آنان با طبقات مختلف کمتر شده است. زنان اباضی سر تا پا پوشیده اند ، نظیر این حجاب را تنها در بانوان مسلمان هند و پاکستان میتوان دید زنان بندرت از خانه بیرون می آیند و در اجتماعات هم شرکت نمی کنند.

فرقه اباضیه در الجزایر زندگی خاصی دارند ، و
کمتر با اجتماع می آمیزند

- دانشجویان سخنران را به یاد انتقاد گرفتند که چرا با زنان خود چنین نامنصفانه رفتار می کنند. سرانجام سخنران در ماند و گفت آقایان زن من بدین وضعی که دارد راضی است. و هرگز نمیخواهد آن را تغییر دهد، شما از خود او و از من که شوهر او هستم درباره او دلسوزتر نیستید و با این سخن توام با استرحام که قهقهه خنده بدنبال آن بود میز خطابه را ترک گفت.



موطا امام مالک

- ظهر امروز (جمعه) باید برای خواندن نماز جمعه به مسجد برویم. رفتن به مسجد در روزهای جمعه جزء برنامه رسمی است و همه اعضای کنفرانس باید در آن شرکت کنند. گویا این رسم در تمام کنفرانسهای اسلامی کشورهای عربی برقرار است. برای خواندن نماز جمعه به مسجد ابی مروان رفتیم. مسجد ابی مروان طبق کتیبه ای که بالای محراب آنست در سال ۳۵۰ هجری قمری ساخته شده، و گمان دارم منسوب به ابو عبدالملک مروان محمد اسدی (بونی) فقیه مالکی مذهب است که سمعانی از او نام برده و نویسد: **وی از بزرگان اصحاب ابوالحسن قایسی است، و شرحی بر موطا نوشته است،** او از مردم اندلس بود. سپس به افریقا رفت و در (بونه) امامت کرد و در ۴۴۰ هجری در گذشت

- شاید مروان چندی در این مسجد نماز خوانده و مسجد بنام او معروف شده و نام او بجای ابو عبدالملک مروان ، در کتیبه ابو مروان آمده است چنانکه در عکس میبینید معماری مسجد به سبک معماری اندلسی است . و با اینکه پیش از هزار سال بر ساختمان آن میگذرد ، بنای اصلی مسجد استوار مانده است. تنها در داخل ساختمان تغییراتی داده اند

- علت تغییر این است که فرانسویان پس از اشغال الجزیره این مسجد را به بیمارستان تبدیل کردند مسجد بزرگی نیز در الجزیره (پای تخت) است که مسجد (کشاوه) نام دارد و آنرا نیز فرانسویان تبدیل به کلیسا نمودند. سال گذشته که در آن مسجد نماز خواندم هنوز هم تصویر قدیسه‌ها که با نقاشی رنگی ترسیم شده بود بر سر در مسجد دیده میشد، و پایه ای که صلیب را بر آن نصب کرده بودند باقی بود . بدون شک یکی از علل سرسختی الجزایریان در نبردهای با فرانسه بی اعتنائی شدید اشغالگران به عواطف و معتقدات این مردم بوده است .

بی اعتنائی شدید اشغالگران

- عصر امروز (یکشنبه دهم مرداد آخرین جلسه کنفرانس است.) مجلس امروز را بانوان اداره می کردند و ما تماشاگر بودیم بانو فاطمه الحبابی همسر آقای دکتر محمد عزیز الحبابی اداره جلسه را بعهده داشت. آقای الحبابی استاد فلسفه است و بخاطر سبک مخصوص خود در بحث، که اساس آن ایجاد شک و تردید در ذهن دانشجو است طرفدار و مخالفانی دارد. وی در جامع اسلامی عربی و نیز در محافل علمی غرب مشهور است. در فلسفه به عربی و فرانسه تألیفاتی دارد که بعضی آنها از زبانی بزبان دیگر ترجمه شده است، بانو الحبابی دبیر دبیرستان است و جامعه شناسی و فلسفه را درس میدهد، شرکت کنندگان در بحث، بانوان و دوشیزگان معلم و دانشجو بودند و بحث بر محور تشکیلات خانواده و وظائف افراد دور میزد، روی هم رفته مجلس امروز

- عصر گرمتر از مجالس دیگر بود شایان امروز دوشنبه یازدهم مرداد کنفرانس پایان یافت و قطعنامه خوانده و تصویب شد . مواد قطعنامه بوسیله چهار گروه عضو تنظیم گردید. در گروه ما که مسئول تنظیم پیشنهادهای مربوط به بهبود داخل خانواده هاست من چند پیشنهاد دادم که همگی بدون کوچکترین تغییر به تصویب رسید. از جمله تعمیم تعلیمات ضروری در تمام خانواده های شهری و روستائی. استفاده از بانوان و دوشیزگان در کارهایی که در صلاحیت آنهاست

- در این روزها میهمانیهای مفصلی از طرف فرماندار وهران، فرمانده نیروی دریایی بعض شخصیت‌های برجسته شهر بافتخار نمایندگان کشورها داده میشود. سرانجام به الجزیره برگشتم و مجدداً در هتل (آلیتی) اقامت کردم دو روز در الجزیره ماندم باز هم آقای تفضلی با ملاقاتهای مکرر و احوال پرسیهایی پی در پی بنده را ممنون و شرمنده ساختند. آقای تفضلی بین رجال سیاسی این کشور احترامی خاص دارند.

- آقای نورالدین آل علی وابسته فرهنگی و استاد فارسی در دانشگاههای الجزیره و هران و قسنطینه که در طول مدت کنفرانس همراه من بود، این دو روز صبح و عصر با من است . کوشش پی در پی توام با ایمان و علاقه این جوان بی طمع و بی تظاهر سبب شده است، که زبان فارسی در این سه دانشگاه توفیقی خاص پیدا کند و فارسی نه تنها به صورت متن تدریس میشود بلکه تاریخ ادبیات ایران و ادبیات تطبیقی فارسی و عربی را نیز تدریس میکنند



عثمان امین

- تعجب آور بلکه تحسین آمیز است که آل علی گاهی هزینه رفت و آمد خود را برای تدریس در این سه دانشگاه که هر کدام مدت یکساعت پرواز هوا وقت می گیرد شخصاً می پردازد. در الجزیره تعداد فراوانی دانشجوی علاقمند بزبان و ادبیات فارسی داریم که هنوز هم با من رشته مکاتبه خود را ادامه داده و میدهند
- امروز سومین روز اقامت در الجزیره است کاری ندارم گرما هم ناراحت کننده است ولی خبر دادند که باید بحضور حضرت هواری بومدین رئیس جمهور برویم اغلب مهمانان الجزیره را ترک کرده اند تنها من و نماینده سوریه و بی عثمان امین استاد فلسفه که اصلاً مصری ولی مقیم الجزیره است باقی مانده ایم .

- ملاقات ما با آقای رئیس جمهور در حدود سه ربع ساعت طول کشید ، با بیرون آمدن از کاخ ریاست جمهوری برنامه کار ما در الجزایر پایان رفت فردا این کشور را ترک خواهیم گفت .